

## نقش صنایع کارگاهی (کوچک) در توسعه روستایی مطالعه موردی شهرستان شهرضا

احمد تقدیسی - عضو هیئت علمی گروه جغرافیای دانشگاه اصفهان  
بیژن رحمانی و رحمت‌الله منشی زاده - اعضای هیئت علمی دانشکده علوم زمین دانشگاه  
شهید بهشتی  
مسعود مهدوی - استاد دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران

### چکیده

ارزیابی، جریانی اصلاحگر و کنترل کننده از فرایند توسعه است که می‌تواند راهگشا برای آینده باشد و به دنبال خود توسعه پایدار را به ارمغان آورد. صنعتی شدن مناطق روستایی نیز، با تأکید بر صنایع کارگاهی (کوچک)، راهبرد جدید توسعه روستایی و یکی از راههای دستیابی به کاهش میزان و شدت فقر و بیکاری، تنوع بخشی به اقتصاد روستایی، اشتغال زایی، جلوگیری از مهاجرت روستاییان و تعدیل شکاف موجود بین درآمد خانوارهای روستایی و شهری است. این مقاله با هدف ارزیابی پیامدهای ایجاد صنایع کارگاهی (کوچک) در شهرکها و نواحی صنعتی در مناطق روستایی تدوین گردید و برای انجام آن از نظریه‌ها و آرای دانشمندان صاحب نام بهره گرفته شد. فرضیاتی در این زمینه تبیین گردید و اطلاعات مورد نیاز برای بررسی موضوع از طریق روش اسنادی و پیمایشی تهیه شد. بعد از تهیه و تدوین پرسشنامه‌ها و تکمیل و استخراج آنها و با اجرای آزمونهای آمار استنباطی بر روی اطلاعات، مشخص شد که مکان‌یابی پروژه‌های صنعتی در روستاها، می‌تواند عملکردی مثبت در جهت رفع معضلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این مناطق داشته باشد. اما از آنجا که ۹۷/۷ درصد از سرمایه‌گذاران در صنایع کارگاهی از سرمایه‌گذاران شهری می‌باشند به عبارت دیگر بیشتر کارآفرینان روستایی را افراد غیربومی و غیرساکن روستا تشکیل می‌دهند، ساختار غیر محلی بر منابع کارآفرین محلی غلبه دارد و جهتگیری سود حاصل از تولید نیز به خارج از منطقه هدایت می‌شود. بنابراین برای بهبود بیشتر وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فضایی روستاها، و سرمایه‌گذاری خود روستاییان، می‌توان راهکار زیر را پیشنهاد نمود. ایجاد و گسترش شرکتهای تعاونی یا قرض الحسنه‌های روستایی همراه با اعتبار دهی منابع بانکی

و دولتی به آنها تا با سرمایه‌گذاری و مشارکت خود روستاییان در صنایع، سود حاصل به خود روستاها برگردد و توسعه هر چه بیشتر روستاهای منطقه محقق گردد.

**واژه‌های کلیدی:** صنایع کارگاهی، توسعه روستایی، مکان‌یابی، شهرضا / شهرستان.

### مقدمه

تجارب کشورهای پیشرفته و در حال توسعه بیانگر آن است که استقرار مناطق و شهرکهای صنعتی و کارگاههای کوچک تولیدی صنعتی در نزدیکی نواحی روستایی همواره دگرگونیهای بسیاری به لحاظ اقتصادی - اجتماعی، کالبدی - فضایی و زیست محیطی در مقیاسهای کوچک و بزرگ به دنبال داشته است. براین اساس ایجاد نواحی و شهرکهای صنعتی در شهرستان شهرضا که در مجاورت روستاهای آن شکل گرفته است نیز باعث دگرگونیهای طبیعی، انسانی، اقتصادی، فضایی و زیست محیطی فراوانی گردیده است که در این پژوهش بررسی می‌شوند. براین اساس برای شناخت تأثیر صنایع کارگاهی در نواحی روستایی ضروری است از طریق ارزیابی اجتماعی، اقتصادی ضمن آشنایی با مفهوم صنایع کارگاهی (کوچک) و عوامل مؤثر بر آن، پیامدهای استقرار این صنایع در روستاها نقد و ارزیابی شوند. بنابراین در مطالعه موردی در پهنه جغرافیایی شهرستان شهرضا و در سطح ۵ شهرک و ناحیه صنعتی آن، پیامدهای اجتماعی و اقتصادی ایجاد صنایع کارگاهی در توسعه روستایی بررسی شدند و مهم‌ترین نقاط قوت و ضعف ایجاد این صنایع در جهت حصول به اهداف توسعه پایدار روستایی مطالعه شد که منجر به تدوین فرضیاتی به شرح ذیل گردید:

- ایجاد و گسترش صنایع کارگاهی در نزدیکی مناطق روستایی شهرستان شهرضا، مکمل و پشتیبان بخش کشاورزی است و باعث افزایش زمینه‌های اشتغال و درآمد و جذب نیروهای کار مازاد بر فعالیت کشاورزی در مناطق روستایی می‌شود.
- بهبود بیشتر وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فضایی روستاهای مناطق روستایی شهرستان شهرضا تنها با سرمایه‌گذاری خود روستاییان محلی امکان‌پذیر است (از طریق مشارکت روستاییان توأم با اعتبارات بانکی یا شرکای شهری).

### روش تحقیق

برای بررسی فرضیات، از روش اسنادی و پیمایشی جهت جمع‌آوری اطلاعات استفاده

شد. از آنجا که پرسشنامه، ابزار گردآوری اطلاعات به صورت پیمایشی است، از این رو دو نوع پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات تهیه و تدوین و با مصاحبه با پرسش شونده‌گان تکمیل گردید:

الف) پرسشنامه واحدهای تولیدی که از مدیران صنایع کارگاهی واقع در شهرستان شهرضا سؤال شد.

ب) پرسشنامه فردی شاغلان روستایی که در واحدهای تولیدی صنایع کارگاهی مستقر در نواحی و شهرکهای صنعتی مورد مطالعه مشغول به کار بودند.

جامعه آماری پژوهش، ۴۱ واحد کارگاهی منطقه است که بنا بر تعریف جزء صنایع کارگاهی محسوب می شوند. پرسشنامه واحد تولیدی را مدیران آن کارگاهها تکمیل کردند و پرسشنامه شاغلان را ۸۰ نفر از شاغلان روستایی مشغول به کار در واحدهای تولیدی که به صورت تصادفی طبقه بندی شده بودند تکمیل نمودند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از برنامه spss استفاده شد و آمارها در سطح توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شدند. در ترسیم نمودارها از بسته نرم افزاری Excel بهره گرفته شد. برای تهیه نقشه‌ها ضمن تهیه نقشه پایه با استفاده از نرم افزارهای Auto Cad، Corel Draw و Photo Shop نقشه‌ها تکمیل گردید و با توجه به آراء و نظریه‌های اندیشمندان بزرگ در باب آثار و پیامدهای استقرار صنایع کارگاهی (کوچک) در مناطق روستایی، به تجزیه و تحلیل موضوع به شرح زیر پرداخته شد:

### بررسی فرضیات

مروری بر دیدگاهها و نظریات ارائه شده در باب آثار و پیامدهای استقرار صنایع کارگاهی (کوچک) در مناطق روستایی، نشان می دهد که صنعتی شدن منتج به آثار عمده‌ای در نواحی روستایی کشورهای در حال توسعه شده است که برخی از این آثار در جدول ۱ ارائه شده‌اند.

یکی از مهم ترین پیامدهای صنعتی شدن روستا که در مبانی نظری به تفصیل بدان پرداخته شد، آثار درآمذزایی و تبعات آن در سطح مناطق روستایی است. این تبعات که نمودهای آن می تواند در افزایش مصرف کالاهای باداوم تجلی یابد و به شکل گسترده‌ای نیز در تحقیقات «ریزوانول» در الگوی صنعتی شدن چین مشاهده شده است، بیانگر تأثیرات عمیق استقرار صنعت در روستاهای چین در جهت تغییر الگوی خرید و مصرف کالاهای مصرفی باداوم است که با تبیین این الگو در منطقه مورد مطالعه از همگنی و شباهت قابل قبولی برخوردار بوده است. جهت تبیین و آزمون این ادعا حضور انواع کالاهای مصرفی

جدول ۱- پیامدها و آثار استقرار صنعت در نواحی روستایی

محققان	واژه‌های کلیدی	آثار و پیامدهای استقرار صنعت در روستا
فاس <sup>۱</sup> ، ریزوانول <sup>۲</sup> ، لیدهولم <sup>۳</sup>	ثبات درآمدی، کاهش اختلاف درآمد شهر و روستا، تغییر الگوی مصرف	۱- افزایش درآمد
کوران <sup>۴</sup>	افزایش ضریب اشتغال، اصلاح شرایط کار، کاهش نرخ بیکاری	۲- ایجاد فرصتهای شغلی
گودرای <sup>۵</sup>	کاهش مهاجرت به شهر از نواحی روستایی در مقایسه با نواحی فاقد صنایع کوچک	۳- کاهش مهاجرت‌های روستایی
رائو <sup>۶</sup>	انعطاف‌پذیری تولید، رسوخ به بازارهای جهانی، تغییر الگوی مصرف	۴- گسترش صادرات
ولدسمه <sup>۷</sup>	بهره برداری از منابع انسانی (مشارکتهای مردمی) و منابع طبیعی روستا	۵- بهره‌برداری از منابع محلی

(منبع: تحقیقات اسنادی نگارندگان، ۱۳۸۴)

بادوام در دوره قبل و بعد از اشتغال در قالب اقلامی چون رادیو، ضبط صوت، تلویزیون سیاه و سفید و... در زندگی ۸۰ نفر از شاغلان روستایی ارزیابی شد که نتایج آن در دو دوره قبل و بعد از اشتغال در هر یک از اقلام مصرفی در جدول ۲ دیده می‌شود.

چون وزن دهی اجناس یکسان نیست برای نمونه خرید رادیویی کوچک با خرید اتومبیل برابری نمی‌کند از این رو به بررسی هر یک از موارد به طور جداگانه پرداخته و آزمون آماری

1. Foss
2. Rizvanul
3. Liedholm
4. Curran
5. Guidray
6. Rau
7. Woldsemait

برای معناداری یا عدم آن برای هر یک از اجناس، جداگانه محاسبه شده است، که در مجموع می توان گفت رابطه معناداری بین مصرف کالاهای بادوام با اشتغال صنعتی وجود دارد.

جدول ۲- تغییر درصد مصرف کالاهای مصرفی بادوام در بین شاغلان روستایی در قبل و بعد از اشتغال

نام کالای بادوام	قبل از اشتغال (درصد)	بعد از اشتغال (درصد)
رادیو	۷۷/۳	۲۲/۷
ضبط صوت	۷۳/۶	۲۲/۴
تلویزیون سیاه و سفید	۹۳/۸	۶/۳
تلویزیون رنگی	۵۰/۹	۴۹/۱
چرخ خیاطی	۸۲/۹	۱۷/۱
ماشین لباسشویی	۶۳/۶	۳۶/۴
اجاق گاز	۸۴/۶	۱۵/۴
یخچال	۸۶/۵	۱۳/۵
یخچال فریزر	۵۰	۵۰
جارو برقی	۵۸/۳	۴۱/۷
کولر	۱۶/۷	۸۳/۳
تلفن	۲۸/۲	۷۱/۸
دوچرخه	۷۴/۱	۲۵/۹
موتور سیکلت	۴۸/۷	۵۱/۳
ماشین سواری	۲۸/۶	۷۱/۴
سی دی	۱۴/۳	۸۵/۷
موبایل	۰	۰
پنکه	۶۶/۷	۳۳/۳
سایر	۲۰	۸۰

(منبع: یافته های تحقیق)

جدول ۳- آزمون ناپارامتری دو جمله‌ای تغییرات کالاهای مصرفی بادوام در قبل و بعد از اشتغال

مقدار احتمال محاسبه شده	نسبت مورد انتظار	نسبت مشاهده شده	تعداد	گروهها	نام کالای بادوام
۰/۰۰۰ (a)	۰/۵۰	۰/۷۷	۳۴	قبل از اشتغال	رادیو
		۰/۲۳	۱۰	بعد از اشتغال	
		۱/۰۰	۴۴	مجموع	
۰/۰۰۱ (a)	۰/۵۰	۰/۷۴	۳۹	قبل از اشتغال	ضبط صوت
		۰/۲۶	۱۴	بعد از اشتغال	
		۱/۰۰	۵۳	مجموع	
۰/۰۰۱	۰/۵۰	۰/۹۴	۱۵	قبل از اشتغال	تلویزیون سیاه و سفید
		۰/۰۶	۱	بعد از اشتغال	
		۱/۰۰	۱۶	مجموع	
۱/۰۰۰ (a)	۰/۵۰	۰/۵۱	۲۸	قبل از اشتغال	تلویزیون رنگی
		۰/۴۹	۲۷	بعد از اشتغال	
		۱/۰۰	۵۵	مجموع	
۰/۰۰۰ (a)	۰/۵۰	۰/۸۳	۳۴	قبل از اشتغال	چرخ خیاطی
		۰/۱۷	۷	بعد از اشتغال	
		۱/۰۰	۴۱	مجموع	
۰/۱۶۳ (a)	۰/۵۰	۰/۶۴	۲۱	قبل از اشتغال	ماشین لباسشویی
		۰/۳۶	۱۲	بعد از اشتغال	
		۱/۰۰	۳۳	مجموع	
۰/۰۰۰ (a)	۰/۵۰	۰/۸۵	۴۴	قبل از اشتغال	اجاق گاز
		۰/۱۵	۸	بعد از اشتغال	
		۱/۰۰	۵۲	مجموع	
۰/۰۰۰ (a)	۰/۵۰	۰/۸۷	۴۵	قبل از اشتغال	یخچال
		۰/۱۳	۷	بعد از اشتغال	
		۱/۰۰	۵۲	مجموع	
۱/۰۰۰	۰/۵۰	۰/۵۰	۳	قبل از اشتغال	یخچال فریزر
		۰/۵۰	۳	بعد از اشتغال	
		۱/۰۰	۶	مجموع	

ادامه جدول ۳-

مقدار احتمال محاسبه شده	نسبت مورد انتظار	نسبت مشاهده شده	تعداد	گروهها	نام کالای یادوار
۰/۴۰۵ (a)	۰/۵۰	۰/۵۸	۲۱	قبل از اشتغال	گروه اول
		۰/۴۲	۱۵	بعد از اشتغال	گروه دوم
		۱/۰۰	۳۶		مجموع
۰/۲۱۹	۰/۵۰	۰/۸۳	۱	قبل از اشتغال	گروه اول
		۰/۱۷	۵	بعد از اشتغال	گروه دوم
		۱/۰۰	۶		مجموع
۰/۰۰۹ (a)	۰/۵۰	۰/۲۸	۱۱	قبل از اشتغال	گروه اول
		۰/۷۲	۲۸	بعد از اشتغال	گروه دوم
		۱/۰۰	۳۹		مجموع
۰/۱۹ (a)	۰/۵۰	۰/۷۴	۲۰	قبل از اشتغال	گروه اول
		۰/۲۶	۷	بعد از اشتغال	گروه دوم
		۱/۰۰	۲۷		مجموع
۱/۰۰۰ (a)	۰/۵۰	۰/۴۹	۱۹	قبل از اشتغال	گروه اول
		۰/۵۱	۲۰	بعد از اشتغال	گروه دوم
		۱/۰۰	۳۹		مجموع
۰/۴۵۳	۰/۵۰	۰/۷۱	۲	قبل از اشتغال	گروه اول
		۰/۲۹	۵	بعد از اشتغال	گروه دوم
		۱/۰۰	۷		مجموع
۰/۱۲۵	۰/۵۰	۰/۱۴	۱	قبل از اشتغال	گروه اول
		۰/۸۶	۶	بعد از اشتغال	گروه دوم
		۱/۰۰	۷		مجموع
۱/۰۰	۰/۵۰	۰/۳۳	۲	قبل از اشتغال	گروه اول
		۰/۶۷	۱	بعد از اشتغال	گروه دوم
		۱/۰۰	۳		مجموع
۰/۳۷۵	۰/۵۰	۰/۸۰	۱	قبل از اشتغال	گروه اول
		۰/۲۰	۴	بعد از اشتغال	گروه دوم
		۱/۰۰	۵		مجموع

(a) : با استفاده از تقریب نرمال

(منبع: یافته‌های تحقیق)

### امنیت شغلی

بی تردید یکی از اهداف مهم ایجاد صنایع کارگاهی (کوچک) ایجاد فرصتهای شغلی در روستاهاست. نبود اشتغال مولد در روستا از دیدگاه بسیاری از نظریه پردازان اقتصادی می تواند به عدم برخورداری از امنیت شغلی و نهایتاً به مهاجرت های روستایی منجر شود (طاهرخانی، ۱۳۷۹ ب). بدین ترتیب یکی از مهم ترین اهداف ایجاد نواحی و شهرک های صنعتی، ایجاد اشتغال مولد، جهت حصول به امنیت شغلی اقشار آسیب پذیر به ویژه ساکنان روستایی است. بدین منظور جهت بررسی اشتغال زایی و تأثیرات روانی ایجاد نواحی و شهرک های صنعتی در سطح شاغلان روستایی صنایع کارگاهی در دو دوره قبل و بعد از اشتغال، پرسشهایی درباره نگرش شاغلان به تداوم فعالیت و میزان امیدواری آنان به فعالیت جدید در پنج گزینه امنیت شغلی خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم، طرح گردید که نتایج آن نشان می دهد میزان رضایت از شغل قبلی ۶۲/۵ درصد و میزان رضایت از شغل فعلی ۹۷/۴ درصد بوده است. میزان امید فراوان به آینده در شغل قبلی ۵۹/۴ درصد و در شغل فعلی (کار در صنایع کارگاهی) ۹۴/۲ درصد بوده است که نشان دهنده تأثیر این کارگاهها در امیدوار کردن شاغلان روستایی به آینده است. حدود ۹۰ درصد امیدوار به تداوم کار فعلی در صنایع کارگاهی می باشند، هر چند عمدتاً ۸۲/۵ درصد آنان در اندیشه شغل مناسب تری نیز هستند. طبق جدول ۴ میانگین رتبه های میزان رضایت از شغل فعلی و امیدوار بودن به آینده هنگام کار در صنایع کارگاهی، رشد چشمگیری داشته است.

### آزمون فرضیه

$H_0$  = نظرهای مساعد نسبت به امنیت شغلی در دو دوره قبل و بعد از اشتغال در صنایع کارگاهی دارای تفاوت معنادار نیست.

$H_1$  = نسبت نظرهای مساعد به امنیت شغلی در دوره بعد از اشتغال در صنایع کارگاهی بیشتر از قبل از آن است.

نتایج به دست آمده از آزمون رتبه ای علامتدار ویلکاکسون (مهدوی و طاهرخانی، ۱۳۸۳)، نشان می دهد که احتمال محاسبه شده کوچک تر از ۰/۰۵ است، بنابراین می توان فرضیه  $H_1$  را رد نمود و پذیرفت که ایجاد صنایع کارگاهی (کوچک) ضمن ایجاد اشتغال توانسته است میزان امنیت شغلی شاغلان واحدهای تولیدی را افزایش دهد.



جدول ۴- تغییرات میزان امنیت شغلی شاغلان در دو دوره قبل و بعد از اشتغال

رتبه‌ها	تعداد	میانگین رتبه‌ها	مجموع رتبه‌ها
V <sub>۹۵</sub> -V <sub>۹۳</sub>	رتبه‌های منفی	۲(a)	۳۴/۰۰
	رتبه‌های مثبت	۴۴ (b)	۱۰۴۷/۰۰
	گروه	۱۸ (c)	
	مجموع	۶۴	
V <sub>۹۷</sub> -V <sub>۹۶</sub>	رتبه‌های منفی	۲ (d)	۳۷/۰۰
	رتبه‌های مثبت	۴۵ (e)	۱۰۹۱/۰۰
	گروه	۱۷ (f)	
	مجموع	۶۴	

$$a : V_{۹۵} < V_{۹۳}$$

میزان رضایت از شغل فعلی: V<sub>۹۵</sub>

(منبع: یافته‌های تحقیق)

- میزان رضایت از شغل قبلی: V<sub>۹۴</sub>  
 میزان امید به آینده شغل فعلی: V<sub>۹۷</sub>  
 میزان امید به آینده شغل قبلی: V<sub>۹۶</sub>
- b  $V_{۹۵} > V_{۹۴}$   
 c  $V_{۹۵} = V_{۹۴}$   
 d  $V_{۹۷} = V_{۹۶}$   
 e  $V_{۹۷} > V_{۹۶}$   
 f  $V_{۹۷} = V_{۹۶}$

آزمون فرضیه

V <sub>۹۷</sub> - V <sub>۹۶</sub>	V <sub>۹۵</sub> - V <sub>۹۳</sub>	
-۵/۹۱۰ (a)	-۵/۸۱۲ (a)	مقدار Z نرمال استاندارد
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	مقدار احتمال معنی‌داری (آزمون دو دامنه)

a: براساس رتبه‌های منفی

b: آزمون رتبه‌ای علامتدار ویلکاکسون

میزان رضایت از شغل فعلی: V<sub>۹۵</sub>

میزان رضایت از شغل قبلی: V<sub>۹۴</sub>

میزان امید به آینده شغل فعلی: V<sub>۹۷</sub>

میزان امید به آینده شغل قبلی: V<sub>۹۶</sub>



## بررسی میزان مشارکت شاغلان روستایی

### آزمون فرضیه

برای آزمون تفاوت نگرش شاغلان جهت انجام مشارکتهای روستایی در دو دوره قبل و بعد از اشتغال، ضمن تبیین فرضیه H در مقابل فرضیه  $H_1$  که بیان می‌دارد:

$H =$  میزان انگیزه برای مشارکتهای روستایی در دوره قبل و بعد از اشتغال تفاوت معناداری ندارند.

$H_1 =$  میزان انگیزه برای مشارکتهای روستایی در دوره بعد از اشتغال بیشتر از دوره قبل آن است.

از آزمون رتبه‌ای علامتدار ویلکاکسون برای تبیین مطلب استفاده شده است. نتایج به دست آمده از آزمون نشان می‌دهد که چون احتمال محاسبه شده (۰/۰۰۱) کوچک‌تر از ۰/۰۵ است، می‌توان فرضیه H را رد نمود و پذیرفت که میزان مشارکت روستاییان شاغل در صنایع کارگاهی شهرستان شهرضا در دو دوره قبل و بعد از اشتغال دارای تفاوت معناداری است، به ویژه مشارکت مالی در امور روستا که به علت بهبود وضعیت مالی چشمگیر است. بنابراین با توجه به آزمون ویلکاکسون باید اذعان نمود که اگر روحیه مشارکت مالی در بین روستاییان برای احداث کارگاههای کوچک تشویق و ترویج گردد، می‌توان در آینده به احداث و گسترش صنایع کارگاهی با سرمایه خود آنان همراه با کمک نظام بانکی امید داشت و بالطبع به توسعه اشتغال روستایی، بهبود وضعیت کلی روستا و نیل به توسعه پایدار روستایی خوش بین بود.

### گذران اوقات فراغت<sup>۱</sup> و فعالیتهای فرهنگی - هنری

اطلاعات کیفی به دست آمده از شاغلان در قالب صنایع کارگاهی و در سطح شاغلان روستایی می‌تواند پیامدهای مطلوبی در جهت افزایش گذران اوقات فراغت داشته باشد. فرضیه H و  $H_1$  به شرح ذیل مورد آزمون قرار گرفته است:

$H =$  میزان گذران اوقات فراغت در دوره قبل و بعد از اشتغال دارای تفاوت معناداری نیست.

$H_1 =$  میزان گذران اوقات فراغت در دوره قبل و بعد از اشتغال دارای تفاوت معناداری است. نتایج به دست آمده از آزمون رتبه‌ای علامتدار ویلکاکسون نشان می‌دهد که چون احتمال محاسبه شده (۰/۰۰۱)، کوچک‌تر از ۰/۰۵ است بنابراین می‌توان فرضیه H را رد نمود و

پذیرفت که تفاوت معناداری بین میزان گذران اوقات فراغت در دو دوره قبل و بعد از اشتغال وجود دارد.

### تداوم زندگی در روستا و عدم گرایش به مهاجرت آزمون فرضیه

H. : تفاوت معناداری میان نگرش شاغلان و خانواده آنان در دوره قبل و بعد از اشتغال در مورد ماندگاری در روستای محل سکونت وجود ندارد.

H<sub>1</sub> : تفاوت معناداری میان نگرش شاغلان و خانواده آنان در دوره قبل و بعد از اشتغال در مورد ماندگاری در روستای محل سکونت وجود دارد.

طبق آزمون رتبه‌ای علامتدار ویلکاکسون وضعیت ادامه زندگی در روستا در دوره قبل و بعد از اشتغال در صنایع کارگاهی با مقدار احتمال ۰/۰۰۵ معنادار است و با بررسی میانگین رتبه‌ای، افزایش را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر ایجاد این صنایع باعث افزایش میزان ماندگاری گردیده است که این میل در سرپرستان خانوارها زیادتر از بقیه اعضای خانواده است و این مسئله خود منجر به کاهش مهاجرت می‌تواند باشد (طاهرخانی، ۱۳۷۹ الف).

### ◀ بیمه و تأمین اجتماعی

#### آزمون فرضیه

با تفاوت قابل توجه به دست آمده در درصد میانگین در دوره قبل و بعد از اشتغال در سطح شاغلان به نظر می‌رسد فرضیه H. و H<sub>1</sub> به صورت زیر بیان شود:

H. = تفاوت معناداری بین تعداد افراد بیمه شده در قبل و بعد از اشتغال وجود ندارد.

H<sub>1</sub> = تفاوت معناداری بین تعداد افراد بیمه شده در قبل و بعد از اشتغال وجود دارد.

جهت تبیین این ادعا با توجه به کاربرد آزمون رتبه‌ای علامتدار ویلکاکسون، (میزان احتمال محاسبه شده (۰/۰۰۰)، کوچک‌تر از آلفا ۰/۰۵ است می‌توان فرضیه H. را رد نمود و پذیرفت که با توجه به اطلاعات به دست آمده تفاوت معناداری بین تعداد افراد بیمه شده در دو دوره قبل و بعد از اشتغال ایجاد شده است.

### وضعیت مسکن ، مالکیت و نوع آن

#### آزمون فرضیه

جهت تبیین معناداری میزان مالکیت و نوع مسکن در دوره قبل و بعد از اشتغال فرضیه H

در برابر فرض H<sub>1</sub> به شرح زیر آزمون شد:



$H =$  تفاوت معناداری در مورد مالکیت و نوع مسکن در دوره قبل و بعد از اشتغال وجود ندارد.

$H_1 =$  تفاوت معناداری در مورد مالکیت و نوع مسکن در دوره قبل و بعد از اشتغال وجود دارد.

بابت کارگیری آمار، از آزمون رتبه‌ای علامتدار ویلکاکسون چنین استنباط می‌شود که چون میزان احتمال محاسبه شده برای مالکیت مسکن و نوع آن به ترتیب  $0/001$  و  $0/013$  است که از آلفا  $0/05$  کوچک‌تر می‌باشد، بنابراین می‌توان فرضیه  $H_0$  را مبنی بر عدم وجود تفاوت رد نمود و پذیرفت که طبق جدول فراوانی و رتبه‌ها، در مجموع وضعیت مسکن شاغلان روستایی در صنایع کارگاهی از نظر مالکیت و نوع مسکن بهتر شده است. بنابراین در جدول ۵ به طور خلاصه آزمون معناداری تفاوت بعضی از شاخصهای توسعه در نزد شاغلان روستایی مستقر در صنایع کارگاهی شهرستان شهرضا نشان داده می‌شود.

جدول ۵- آزمون معناداری تفاوت بعضی از شاخصهای توسعه در نزد شاغلان روستایی مستقر در صنایع کارگاهی شهرستان شهرضا

مؤلفه	رتبه‌های منفی	رتبه‌های مثبت	رتبه‌های برابر	احتمال محاسبه شده
مشارکت	۶	۲۸	۴۱	۰/۰۰۱
امنیت شغلی	۲	۴۵	۱۷	۰/۰۰۰
گذران اوقات فراغت	۲۹	۹	۳۶	۰/۰۰۱
ماندگاری در روستا	۱۳	۲۵	۳۱	۰/۰۰۵
بیمه	۰	۴۶	۲۴	۰/۰۰۰
نوع مسکن	۲	۱۱	۵۷	۰/۰۱۳

(منبع: یافته‌های تحقیق)

از دیگر ابعاد و پیامدهای استقرار صنعت، ایجاد رفاه در سطح مناطق روستایی است. این الگو توسط «دوایت پرکینز» در چین شناسایی شده است که ابعاد متفاوتی چون مسکن، بهداشت و بیمه، مشارکنهای روستایی و گذران اوقات فراغت را در بر می‌گیرد (Parkins, 1978). نتایج حاکی از کاربرد الگوی «پرکینز» در سطح شاغلان ناحیه مورد مطالعه از مشابهت نسبی

قابل توجهی برخوردار است. تأثیرات عمیق اشتغال جدید در بیمه و تأمین اجتماعی، نوع مسکن و ایجاد روحیه استقلال‌گرایی و افزایش روحیه مشارکت مالی به ویژه در ابعاد مالی متأثر از افزایش درآمد است، بنابراین از دیگر پیامدهای استقرار صنعت؛ ایجاد انگیزه برای مشارکتهای مردمی است. این مؤلفه که مصادیق آن در مشارکتهای مالی و مشورتی؛ سیاسی و عرضه رایگان نیروی کار تجلی می‌یابد در بعضی از مؤلفه‌ها از جمله مشارکت مالی، از تفاوت معناداری برخوردار است. جدول ۵، تفاوت معنادار مثبت چشمگیری را در شاخصهای توسعه در نزد شاغلان روستایی مستقر در صنایع کارگاهی شهرستان شهرضا نشان می‌دهد. عدم برخورداری از تفاوت معناداری در جهت مثبت، در مورد گذران اوقات فراغت شاغلان از ابعاد قابل تعمق بحث بوده که می‌تواند منشأ مباحث اساسی گردد، مثلاً علت آن می‌تواند ناشی از تفاوت فرهنگی جامعه ما با جوامع دیگر باشد که چون به پس انداز و آینده‌نگری برای خود و فرزندانشان بیشتر توجه دارند، بنابراین به کار و افزایش درآمد اهمیت بیشتری می‌دهند. اگر چه به نظر می‌رسد بروز مشکلات حاد اقتصادی نه تنها جوامع روستایی بلکه جوامع شهری را نیز دچار عارضه عدم برخورداری از گذران مطلوب اوقات فراغت نموده است. الگوی امنیت شغلی و ثبات درآمدی که در تحقیقات کامل «لیدهولم» اثبات شده است از دیگر پیامدهای صنایع کارگاهی در مناطق روستایی است (Liedholm, 1989). اطلاعات به دست آمده، حاکی از رضایت نسبتاً بالای شاغلان روستایی منطقه مورد مطالعه از امنیت شغلی و ثبات درآمدی است. به نظر می‌رسد فعالیت حرفه‌ای در بخش کشاورزی و عدم برخورداری از شغل مناسب در دوره قبل از اشتغال، در افزایش ضریب امنیت شغلی آنان نقش مؤثری داشته است. بالاخره الگوی ماندگاری جمعیت در سایه گسترش صنایع کارگاهی که «گودرای» به آن پرداخته است، در این منطقه نیز محقق شده است. به نظر می‌رسد افزایش غیر مترقبه قیمت مسکن در شهرها (به ویژه استان اصفهان در سایه عدم فروش تراکم در تهران) در سالهای اخیر در این مسئله بی‌تأثیر نبوده است. نتایج حاصل از داده‌های مربوط به فرضیه اول در صنایع کارگاهی شهرستان شهرضا نشان می‌دهد که ایجاد و گسترش صنایع کارگاهی که مکمل و پشتیبان بخش کشاورزی است، در نزدیکی مناطق روستایی شهرستان شهرضا باعث افزایش زمینه‌های اشتغال، درآمد و جاذب نیروهای کار مازاد بر فعالیت کشاورزی این مناطق، شده است. همچنین نتایج حاصل از داده‌های فرضیه دوم در مورد بهبود بیشتر وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فضایی روستاهای مناطق روستایی شهرستان شهرضا نشان داد که تحقق این امر تنها با سرمایه‌گذاری خود روستاییان محل، امکان‌پذیر است زیرا ۹۷/۷ درصد از سرمایه‌گذاران در صنایع کارگاهی، شهری هستند که درآمد حاصل را در شهر به مصرف

می‌رسانند. همچنین چون طبق نتایج تحقیق روحیه مشارکت به ویژه مشارکت مالی شاغلان روستایی بسیار زیاد است، بنابراین اگر در سایه تعاونیهای تولید، قرض الحسنه‌های محلی و... سرمایه‌های روستاییان جمع گردد یا به عنوان سهامدار در کارگاهها مشغول به کار شوند و همچنین نظام بانکی کشور نیز با مشارکت در قالب ارائه وام به متقاضیان روستایی سرمایه‌گذار، مساعدت نماید، قطعاً بهبود بیشتر وضعیت اجتماعی و اقتصادی مناطق روستایی محقق خواهد شد. زیرا بسط و توسعه اشتغال مولد و کاهش بیکاری، یکی از اهداف مهم تعاونیهاست، که از طریق سرمایه‌گذاری موجب ایجاد اشتغال مولد به ویژه برای جوانان می‌شوند. بنابراین تعاونیهای تولید نه تنها دست واسطه‌ها و سلف‌خرها را کوتاه می‌کنند بلکه باعث مشارکت فعال آنان در تعیین سرنوشت سیاسی اقتصادی و اجتماعی خود می‌گردند (طاهرخانی و حیدری، ۱۳۸۳)، که از آن جمله، مشارکت مالی و سرمایه‌گذاری روستاییان در صنایع کارگاهی (کوچک) است که می‌تواند تحول عظیمی در سطح زندگی روستاییان و به تبع آن وضع اقتصادی عمومی کشور ایفا نماید. برای نمونه می‌توان به تعاونیهای مرزنشینان در سیستان و بلوچستان اشاره کرد که یکی از اهداف آن بهبود وضع مردم منطقه (مناطق مرزی) و ایجاد رفاه برای آنان است (ابراهیم‌زاده و بریمانی، ۱۳۸۴).

#### خلاصه نتایج

ارزیابی تبیین جایگاه استقرار صنعت در روستا در قالب ایجاد صنایع کارگاهی با اهداف تبیین شده در توسعه پایدار که بر حسب مورد در شهرستان شهرضا مورد مطالعه و آزمون قرار گرفته است، با در نظر گرفتن آثار اجتماعی و اقتصادی صنعتی شدن روستا نتایج ذیل را در برداشته است:

طبق جداول ۳ و ۴ و ۵ آزمون معناداری پاره‌ای از شاخصهای توسعه، تغییر در الگوی مصرف کالاهای بادوام، میزان مشارکت، امنیت شغلی و امید به آینده، بیمه نوع مسکن و تا حدی ماندگاری در روستا از پیامدهای بارز ایجاد صنایع کارگاهی در مناطق روستایی است. اما مسائلی هم نیازمند بازنگری و توجه‌اند از جمله: راهبرد توسعه صنعتی در قالب صنایع کارگاهی که غالباً جهتگیری کشاورزی ندارند و تأثیر مهمی در تغییر بهره‌وری صنعتی و ایجاد پیوند میان بخش کشاورزی و صنعت نداشته‌اند. ایجاد فرصتهای شغلی و اشتغال روستایی از طریق صنایع کارگاهی باعث شد تا این صنایع در نقش جانشین بخش کشاورزی و نه مکمل آن ظاهر شوند. استفاده از منابع فرامحلی یا مواد اولیه به نسبت منابع محلی در فرایند تولید غلبه داشته است. تولید زنجیره‌ای و پیوند با واحدهای صنعتی بزرگ از کمیت بسیار اندکی برخوردار بوده است. بیشتر سرمایه‌گذاران در این صنایع را افراد غیر روستایی و غیرساکن در آن تشکیل می‌دهند. این بدان معناست که ساختار غیر محلی بر منابع

کار آفرین محلی غلبه داشته و جهتگیری سود حاصل از تولید به خارج از منطقه روستایی هدایت می شود. در مجموع می توان گفت که مکان یابی پروژه های صنعتی در نواحی روستایی می تواند عملکردی مثبت در جهت رفع معضلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستایی داشته باشد (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۰؛ وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۳).

### پیشنهادها و راهکار مشارکت مالی بیشتر روستاییان منطقه در صنایع کارگاهی

به جهت اینکه در روستاهای منطقه مورد مطالعه، سرمایه گذاری در صنایع کارگاهی توسط خود روستاییان صورت می گیرد تا در سایه آن توسعه پایدار و همه جانبه روستایی نتیجه شود، لازم است نگاهی به نظریات و عملکردها (تجارب آموزنده) در مناطق مختلف جهان در این زمینه انداخته شود. در کتاب «دلایلی برای موفقیت» نگاشته شده که برای عینیت بخشی به توسعه روستایی باید توسعه مردم محور مدنظر قرار گیرد. بهتر است بدانیم که موفقیت، هر چند نیاز به پشتوانه مالی دارد اما به ایده، رهبری و راهبردهای مناسب وابستگی بیشتری دارد که زمینه ای برای حل مشکل کم پولی خواهد بود (آپهوف، ۱۳۸۲). برای نمونه جهت تأمین اعتبارات مورد نیاز روستاها در بنگلادش به تأسیس بانک گرامین<sup>۹</sup> و در سری لانکا به ایجاد تعاونیهایی پس انداز و اعتبارات ساناسا<sup>۱۰</sup> اقدام نمودند (کریشنا و همکاران، ۱۳۸۲). بنابراین با گسترش سازمانهای خودیاری ویژه محرومان روستایی می توان بر بسیاری از مشکلات در راه توسعه روستایی پیروز شد. زیرا مقصود از پدیده گسترش خودیاری حمایت از تأسیس تشکیلات خودیاری خودگردان و خوداتکا و توانمند ساختن آن برای ادامه حیات است. برای دستیابی به این مهم سه راهبرد مختلف به کار می رود:

- ۱- راهبردهای تأسیس سازمانهای خودیاری؛
  - ۲- راهبردهای تنوع بخشی به سازمانهای خودیاری؛
  - ۳- راهبردهایی برای غیر دولتی کردن سازمانهای خودیاری (مونکنروهمکاران، ۱۳۷۴).
- با توجه به اینکه نقش اعتبارات بانکی در توسعه روستایی و ایجاد فرصتهای شغلی بر کسی پوشیده نیست، در این زمینه سیاستهای پولی و اعتباری جایگاه ویژه ای دارد و اقتصاددانان توسعه، وجود نظام پولی و اعتباری مناسب را رمز توسعه می دانند (بختیاری و پاسبان، ۱۳۸۳). بنابراین با بهره گیری از انواع سیاستهای حمایتی می توان در توسعه صنایع کارگاهی در روستا

مؤثر بود. سیاستهای حمایتی به وسیله ابزارهای گوناگونی اجرا می‌شوند. این ابزارها به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند:

۱- سیاستهای مالی؛

۲- سیاستهای پولی؛

۳- سیاستهای بازرگانی.

از مهم‌ترین سیاستهای مالی می‌توان به یارانه و بخشودگی مالیاتی اشاره کرد و همچنین از ابزارهای سیاست پولی می‌توان از نرخ ارز نام برد. سیاستهای بازرگانی نیز به وسیله ابزارهای گوناگونی مانند تعرفه گمرکی، سهمیه بندی، محدودیتهای تجاری و غیره اجرا می‌شوند. این سیاستها که عموماً به وسیله دولتها وضع می‌شوند به راحتی می‌توانند در توسعه صنایع کوچک تأثیرگذار باشند (استیون و کازی، ۱۳۷۷). کتاب قانون چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ماده ۹۵ بر این موضوع تأکید دارد: «دولت مکلف است به طراحی روشهای لازم برای افزایش بهره‌وری و درآمد روستاییان و عشایر، به منظور ایجاد فرصتهای اشتغال به ویژه در دوره‌های زمانی خارج از فصول کاشت و برداشت، با رویکرد مشارکت روستاییان و عشایر، با حمایت از صندوق قرض الحسنه توسعه اشتغال روستایی و صندوق اشتغال نیازمندان بپردازد» (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۳). زیرا توسعه یکپارچه روستایی منوط به افزایش تولید؛ بهبود سطح دانش و انگیزش و... می‌باشد (سعیدی ونظری، ۱۳۸۰). از این رو با ایجاد تشکیلاتی چون قرض الحسنه‌های روستایی می‌توان راهبرد صنعتی شدن در روستا را تعقیب کرد (حبیبیان و نقیبی، ۱۳۸۲) و با ایجاد علاقه و تشویق بین روستاییان و توجیه شوراهای اسلامی روستاها به نحوی که آنان نیز آحاد مردم روستایی را آگاه نمایند، بسیج و مشارکت همگانی در این زمینه را افزایش داد (گای، ۱۳۷۱) و رمز موفقیت که همانا بسیج و مشارکت همگانی است را میسر کرد. زیرا در روستاها پس اندازها به صورت طلای زنان یا نگهداری قالی و غیره است که در صورت هدایت صحیح این ذخایر در پس اندازهای مثبت تر می‌توان در چرخه تولید به ویژه صنایع کارگاهی از آن بهره گرفت. بنابراین از راهکارهای مناسب جهت تأمین منابع مالی صنایع کارگاهی توسط خود روستاییان، تأسیس شرکتهای تعاونی یا قرض الحسنه‌های روستایی است که می‌توانند سرمایه لازم برای مشارکت را فراهم آورند تا در دراز مدت سود حاصل از سرمایه‌گذاری در مناطق روستایی به خود روستاها برگردد و مصرف شود و تعالی و توسعه روستا را به همراه آورد.



## منابع

- ۱- آپهوف ان. و همکاران (۱۳۸۲)، دلایلی برای موفقیت. ترجمه عبدالرسول مرتضوی، تهران: وزارت جهاد کشاورزی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- ۲- ابراهیم زاده، ع. و بریمانی، ف. (۱۳۸۴)، «تحلیلی بر تعاونیهای مرز نشینان... سیستان و بلوچستان». پژوهشهای جغرافیایی. ش ۵۱.
- ۳- استیون، آر. وی. و کازی (۱۳۷۷)، «تغییرات مزیت نسبی و سیاستهای بازرگانی و توسعه». ترجمه عبدالرضا رکن الدین افتخاری، فصلنامه مدرس. دوره دوم، ش ۶.
- ۴- بختیاری؛ ص. و پاسبان، ف. (۱۳۸۳)، «نقش اعتبارات بانکی در توسعه فرصتهای شغلی». اقتصاد کشاورزی و توسعه. س ۱۲، ش ۴۶.
- ۵- حبیبیان نقیبی، م. (۱۳۸۲)، قرض الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی. تهران: وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- ۶- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (۱۳۸۳)، قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- ۷- سعیدی، ع. و نظری، ع. (۱۳۸۰)، «تحلیلی بر طرح ایجاد نواحی صنعتی روستایی در ایران». مجله علوم انسانی. س ۷، ش ۱۶.
- ۸- طاهرخانی، م. (۱۳۷۹ الف)، «تحلیلی بر عوامل مؤثر در مهاجرتهای روستا- شهری: جهتگیریها و مباحث جدید». روستا و توسعه. س ۴، ش ۳ و ۴.
- ۹- طاهرخانی، م. (۱۳۷۹ ب)، صنعتی شدن روستا. تهران: وزارت جهاد کشاورزی.
- ۱۰- طاهرخانی، م. و حیدری، و. (۱۳۸۳)، «نقش تعاونیهای تولیدی در توسعه مناطق روستایی (مشکین شهر)». پژوهشهای جغرافیایی. ش ۴۹.
- ۱۱- کریشنا، ای. و همکاران (۱۳۸۳)، دلایلی برای امیدواری. ترجمه پیروز ایزدی، تهران: وزارت جهاد کشاورزی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- ۱۲- گای، دی. (۱۳۷۱)، «توسعه مشارکتی: چشم اندازهایی از تجربه های توده روستایی». روستا و توسعه. ش ۴.
- ۱۳- مطیعی لنگرودی، س. ح. (۱۳۸۰)، «اثرات اقتصادی اجتماعی شهرکهای صنعتی در نواحی روستایی مشهد». فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. س ۱۶، ش ۲، شماره پیاپی ۶۱.
- ۱۴- مونکنر، اچ. و همکاران (۱۳۷۴)، راهبردهایی برای گسترش سازمانهای خودیاری ویژه محرومان روستایی. تهران: وزارت جهاد سازندگی.
- ۱۵- مهدوی، م. و طاهرخانی، م. (۱۳۸۳)، کاربرد آمار در جغرافیا. تهران: نشر قومس.
- ۱۶- وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۸۳)، اهداف و سیاستها و برنامه های دفتر صنایع تبدیلی

و تکمیلی بخش کشاورزی در سال ۸۳ . تهران: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت صنایع و توسعه روستایی.

17- Liedholm, C. (1989), **The Role of Non Farm Activities in the Rural Economy**. New York: Macmillan and IEQ.

18- Perkins, D. (1978), **Rural Small - Scale Industry in the Peoples Republic of China**. The American Rural Small-Scale Industry Delegation.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی